

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «ذرات آشوب»

# در ستایش عشق به میهن



مریم عظیمی  
گفت و گو

نمایش «ذرات آشوب» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت کوهی، پرتره‌ای از دلاوری و پردلی مردم محبوب جزیره هرمز برای بیرون راندن اشغالگران پر تغالی را به تصویر می‌کشد که نشان‌دهنده عظمت روح ایرانی و جنگاوری آنها برای دفاع از میهن‌شان است. در این نمایش که به عنوان اجرای نوروزی از ۷ فروردین روی صحنه تالار اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود بازیگران نام‌آشنایی مانند رویا جاویدنیا، محسن زرآبادی، مهدی حسینی نیا، یاشار نادری، سید جواد یحیوی و... به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.



## ابراهیم پشت کوهی، کارگردان:

### این نمایش در مورد عشق به سرزمین است

یعنی نادیده گرفتن زیبایی و روح جهان که آفرینشگری می‌کند. هر کدام از کاراکترهای اصلی کار می‌توانند نماد دسته و گروهی از جامعه باشند عمق بخشیدن به این کاراکترها و وصل کردن آنها به یک پیشینه وسیع‌تر در اثر شما به چه رویکردی مربوط است؟

در این نمایش رابطه نزدیک تری با آثار یونان باستان می‌بینیم. خدای‌ها و الهه‌گان نمایش‌های یونانی بعدها توسط یونگ تبدیل به آرکتایپ (کهن‌الگو) می‌شوند. یعنی کهن‌الگوهای وجود دارند که امروز شما می‌توانید با باز کردن آن‌ها به کهن‌الگوی مادر دست پیدا کنید. بنابراین همه شخصیت‌هایی می‌توانند ما به‌زایی در گذشته داشته باشند. اگر شما در آثار تان به آرکتایپ‌ها توجه داشته باشید این امتیاز را خواهید داشت که شخصیت‌ها رنگ منحصر به فردی به خود گرفته و شبیه به هم نمی‌شوند. من در این نمایش به دنبال سمبل و نشانه نیستم در واقع دنبال گره زدن پیوند ارتباطی بین تاریخ و انسان هستم، اینکه مسئولیت انسان‌ها را می‌سازد و یاپایگاه انسان‌ها در شرایط بحرانی خود واقعی‌شان را نشان می‌دهند. فریاد می‌گویید

که «انسان‌ها در روایاها و عشق آنچه که پنهان کرده‌اند را عربان می‌کنند» و این نمایش نیز در مورد عشق به سرزمین است در این نمایش حتی کسی که خائن و جاسوس است دلایل خاص خودش را بیان می‌کند یعنی من حتی آن شخصیت را نیز سیاه ندیده‌ام و قصد ما قضاوت کردن نبوده بلکه کار و تلاش ما برای نشان دادن بود و من اساساً معتقد به تقسیم بندی آدم‌ها به سیاه و سفید نیستم بلکه ما مجموعه‌ای از رنگ‌های خاکستری بین طیف سیاه و سفید هستیم.

سخن پایانی:

به نظرم بازیگران این نمایش در این مدت فراتر از برخورد و مواجهه یک بازیگر با اثر رفته‌اند و تلاش ما در این بود که روح نقش‌ها بیرون بیاید در همین راستا می‌بینیم که مهدی حسینی نیا در این نمایش نه تنها به گفته من بلکه بر اساس نظر تماشاگران نیز یکی از بهترین بازی‌های سال‌های اخیر تئاتر ایران را به نمایش می‌گذارد در کنار ایشان جواد یحیوی که در این نمایش برای اولین بار همکاری کردیم و اگر چه کمی طول کشید اما وقتی با جهان نمایش من آشنا شد خیلی خوب از عهده کار برآمد، همینطور حضور موثر رویا جاویدنیا در نقش ممانیک که توانست پدرستی مادرانگی مورد نیاز این کاراکتر را روی صحنه بیاورد و همراهی یاشار نادری عزیز که تمام وجودش را برای نقش می‌گذارد و باز خوردی که می‌گیریم این است که همه گروه فوق‌العاده هستند.



### شکل‌گیری ایده اولیه «ذرات آشوب» و شیوه پرداخت شما چگونه بود؟

ایده اولیه یا طرح «ذرات آشوب» را بیش از سه سال بود که داشتم و رویش کار کرده بودم. شیوه کار من بدین شکل است که متن را به صورت صحنه به صحنه می‌نویسم اما دوست دارم که دیالوگ‌ها در مواجهه با بازیگر شکل نهایی‌شان را به دست آورند. در این مواجهه پیچیدگی‌ها، لحظات و جزئیاتی به متن اضافه می‌شود که به نظرم بسیار درست‌تر است چون نمایشنامه یک بعد دارد در خلاف رمان که سه بعدی است و دو بعد دیگر نمایشنامه در اجرا کامل می‌شود و این باید همیشه مد نظر ما باشد که نمایشنامه برای اجرا نوشته می‌شود نه برای خواندن. ما می‌دانیم که به لحاظ تاریخی چه اتفاقاتی در این سرزمین افتاده اما اطلاعاتی که تاریخ به ما می‌دهد محدود است شاید داستان هرمز تنها در دو خط در تاریخ به گوش رسیده باشد. اینکه سال‌ها هرگز تحت اشغال پر تغالی‌ها بوده و توسط شخصی به نام امام‌قلی خان آزاد شده اما اینکه در این فاصله ۱۱۷ ساله تا آزادی هرمز چه اتفاقی افتاده بحثی است که تاریخ‌نگارها باید بدان نپرداخته و مردم ما هیچ وقت چیزی از آن نشنیده‌اند. این نمایش جدا از مسائل زیباشناسانه‌اش تلاش دارد تا برهه‌های را روایت کند و همبستگی مردم و عشق مردم به میهن‌شان را نشان دهد.

### در زمینه بعد تاریخی این نمایش تحقیقات به چه صورت انجام شد؟

من منابع و کتاب‌های مختلفی را مطالعه کردم تا بستر مستند اثر ساخته شود و در تریشین ابتدایی نمایش نیز بیان می‌شود که وقتی هرمز آزاد می‌شود چه اتفاقاتی می‌افتد اما باز هم یادآوری می‌کنم که کار ما در تئاتر روایت تاریخ نیست بلکه به تصویر کشیدن بعد زیباشناسی مسائل تاریخی است.

در نمایش شما حیات اجتماعی متفاوتی را روی صحنه می‌بینیم. زنان و مردان در دسته‌هایی جداگانه ولی در تعامل با هم به یک زندگی اجتماعی مشغولند. لطفاً در این مورد بگویید. اگر به کارهای پیشین من نیز رجوع کنید می‌بینید که زنان حضور پررنگی دارند و ما به آن بخشی که شاید کمتر در گذشته دیده می‌شده پرداخته‌ایم. ما حتی در ایران باستان نیز زنانی تحت عنوان «ایران بان» داشتیم که به نوعی نقش کد خدا یا بزرگتر را داشتند اینکه در قرن‌های اخیر این حضور کم‌رنگ شده دلیل نمی‌شود که ریشه‌های تاریخی را حداقل در سرزمین خودمان نادیده بگیریم. من به این جمله باور دارم که زنان یا یک دست گهواره را تکان می‌دهند و یا دست دیگر جهان را... بنابراین در این نمایش نیز مثل آثار پیشینم تلاشم بر این بوده که نشان بدهم زنان چقدر مهم هستند و حضورشان تا چه حد تأثیرگذار است و نادیده گرفتن این بخش مهم جامعه